

لزوم محرمانه نگهداشتن اطلاعات ژنتیکی افراد بشر

دکتر علیرضا میلانی‌فر* و دکتر محمدمهدی آخوندی

هیأت علمی پژوهشکده ابن‌سینا، جهاد دانشگاهی

چکیده

امروزه بسیاری از اطلاعات پزشکی افراد جنبه پیشگویانه دارد که در صدر این بخش از اطلاعات باید به یافته‌های ژنتیک افراد اشاره کرد. بحث در اطلاق و تقیید رازداری پزشکی لازم آمده و به نظر نگارندگان باید برای این منظور تمهیدات قانونی و ضمانت اجراهای لازم اندیشیده شود تا دستیابی به اطلاعات ژنتیک، افراد را به شهروندان درجه دوم و سوم مبدل نسازد و به تحدید تمام یا قسمتی از حقوق انسانی، قانونی و عرفی آنان منجر نگردد. نویسندگان این مقاله سعی دارند با احصای موارد لزوم افشاسازی اسرار پزشکی و ژنتیک افراد از اطلاق محرمانه بودن بر کلیه اطلاعات مذکور دفاع نموده و امکان تحدید این رازداری به وسیله قانون یا عرف را جز در موارد رضایت منجز فرد مربوطه و لزوم حفظ جان انسان رد نمایند.

کلید واژه‌ها: حریم خصوصی، رازداری، اخلاق زیستی

سرآغاز

ایجاد شده که در سوگندنامه بقراط مطمح نظر قرار گرفته (۲) و تا امروز نیعیتم ا جزء تعهدات اخلاقی پزشکان باقی مانده است (۳).

چنان که بقراط حدود ۲۰۰۰ سال قبل در سوگندنامه خود می‌گوید: "آن چه در حین انجام حرفه خود و حتی خارج از آن درباره زندگی مردم بینم یا بشنوم به هیچ کس نخواهم گفت و این قبیل مطالب را باید به گنجینه اسرار سپرد." و امروز نیز به‌عنوان مثال در مقدمه مجموعه مقررات حرفه‌ای پزشکان ایتالیا آمده است:

"به محرمانه بودن مطلق آنچه که نزد من به‌عنوان محرم اسرار گفته می‌شود یا در طی کارم یا در غیر آن می‌بینم یا به آن آگاه می‌شوم و یا گمان می‌برم یا به خاطر علم و وضعیت ویژه‌ام از آن مطلع می‌شوم، احترام گذاشته و اعتقاد راسخ داشته باشم (۴)".

یکی از حقوق اولیه بشر که از دیرباز مورد توجه بوده و با شروع و پیشرفت حیات اجتماعی او در تمام نظامهای اجتماعی و به تبع آن مکاتب حقوقی با درجات مختلف مورد توجه قرار گرفته حریم خصوصی یا خلوت (privacy) افراد می‌باشد.

حریم خصوصی عبارت است از آنچه که افراد حق دارند بر پنهان نگاهداشتن مطلق یا نسبی آن و دیگران مکلفند به محترم داشتن این پنهان‌کاری. جفری جانسون خلوت را محفوظ از قضاوت دیگران معنا می‌کند (۱).

از دیرباز بیماران به مقتضای ضرورت پذیرفته‌اند که پزشکان را به خلوت خود وارد کنند و برهمین اساس، تعهد پزشکان به رازداری مطلق نسبت به آنچه از خلوت افراد به هر شکل به دست می‌آورند

موافقت فعلی یا عملی نماید که اصطلاحاً آن را رضایت تلویحی یا ضمنی (implicit) گویند. البته اصولاً رضایت صریح معتبر است و سکوت نیز رضایت تلقی نمی‌گردد (۵).

البته صرف‌نظر از ورود به بحث مالکیت هر شخص بر اطلاعات فردی خودش، به هر حال حقی در مورد این اطلاعات برای صاحب آنها وجود دارد که به نظر می‌رسد افشای غیرمجاز اسرار مذکور با توجه به روح ماده ۳۳۱ قانون مدنی (۵) نوعی تسبیب تلقی می‌گردد که موجد مسؤولیت خواهد بود.

حال باید دید افشای اطلاعات پزشکی افراد به چه طرقی معمول است؟ در این مورد باید گفت که نقض محرمانگی و افشای اطلاعات بیماران دو شکل اصلی دارد.

۱) افشای اطلاعات به نحوی که بتوان بین اطلاعات مذکور و فردی مشخص یا فردی نامشخص از گروهی معین که همگی کاملاً شناخته شده می‌باشند ارتباط برقرار کرد. (انتساب اطلاعات به آقای X یا به یکی از ۵ نفر اعضای خانواده Y).

۲) افشای اطلاعات مذکور ضمن قطع کامل ارتباط با صاحب اطلاعات به نحوی که به هیچ‌عنوان امکان برقراری رابطه و انتساب اطلاعات مذکور به فردی خاص امکان‌پذیر نباشد و بدیهی است که علی‌الخصوص در حالت اول رضایت قطعی و کتبی صاحب اطلاعات باید اخذ گردد.

حال آن‌چه تاکنون طرح شده است، صرفاً در رابطه با یافته‌های ژنتیک نیز بررسی می‌کنم. واضح است که پژوهشگران و دانشمندان علم ژنتیک و علوم وابسته به آن از گروه‌هایی هستند که به خصوصی‌ترین و مهم‌ترین اطلاعات شخصی افراد دسترسی خواهند یافت و دستیابی آنان به اطلاعات مذکور نیز معمولاً، ولاً بدون آگاهی فرد صاحب اطلاعات و ثانیاً با بقای رابطه با فرد صاحب اطلاعات و امکان دسترسی به مشخصات وی صورت می‌گیرد.

به عبارت دیگر در جریان اعمال و مطالعات ژنتیک انسانی البته در صورت حفظ مشخصات صاحبان نمونه‌های ژنتیک، اعم از آنکه اعمال مذکور برای مقاصد درمانی باشد یا پژوهشی یا حتی برای امور غیرپزشکی، بسیاری از خصوصیات جسمی و روانی فرد کشف می‌شود که قطعاً در حریم خصوصی و خلوت وی قرار دارد و جزء اسرار او تلقی می‌گردد.

پس به قیاس اولویت لزوم رازداری حرفه‌ای در رابطه با آنچه که ذکر شد صد چندان ظاهر می‌شود. هم‌چنین در

البته با توجه به آن که امروزه رشته‌های مختلف زیست‌شناختی با پزشکی همراه شده و مرزبندی واضحی بین این شاخه‌ها وجود ندارد به نظر می‌رسد تعهد به رازداری مطلق به تمامی اعضای گروه پزشکی و سایر گروه‌های مرتبط تسری پیدا کرده است.

بحث

غالباً اطلاعات شخصی افراد اعم از روحی روانی، جسمی و محیطی به سه طریق اصلی به گروه پزشکی منتقل می‌شود و این طرق در طول زمان تغییر چندانی نداشته است:

الف) خود فرد اطلاعات مذکور را در اختیار گروه پزشکی قرار می‌دهد.

ب) شخص ثالث اطلاعات مذکور را در اختیار گروه پزشکی قرار می‌دهد.

پ) گروه پزشکی خود اطلاعات مذکور را به دست می‌آورد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود موارد سه گانه فوق با وسعت گوناگون در طول زمان حفظ شده است. البته باید گفت که موارد فوق‌الذکر تقسیمات ریزتری نیز دارد. مثلاً هنگامی که فرد بیمار یا ثالث اطلاعاتی را در اختیار گروه پزشکی قرار می‌دهد اعم است از آنکه با علم و آگاهی اقدام به این امر نموده یا سهواً یا بر اثر نادانی چنین اطلاعاتی را افشا کند یا آن هنگام گروه پزشکی به اطلاعات خصوصی افراد دست می‌یابد اعم است از آن که اطلاعات را عمداً تحصیل نموده یا خودبه‌خود به دست آورده است، این اطلاعات خصوصی پزشکی است یا غیرپزشکی، بیمار از تحصیل آنها توسط گروه پزشکی مطلع است یا خیر و نظایر آنها.

البته به نظر می‌رسد که اصولاً اطلاعاتی که پزشک به دست می‌آورد محرمانه است و بنابر قاعده، اخراج هر موردی از این کلیت نیاز به دلیل دارد که باید دلایل مذکور را موارد جواز اخراج اطلاعات بیمار از شمول محرمانگی قلمداد نمود.

نگارنده این دلایل را در سه محور به شرح زیر احصا و تفسیر می‌کند:

الف) بحث رضایت شخص صاحب اطلاعات یا نماینده قانونی او:

این مورد عبارت است از آن که فرد صاحب اطلاعات یا صریحاً با افشای اطلاعات موافقت کند که این حالت را موافقت و رضایت صریح (explicit) می‌نامند و یا آن که با درخواست پزشکی مبنی بر افشای اطلاعات مذکور

همین بحث موافقت صاحب اطلاعات، باید به موارد ذیل نیز توجه شود.

باید دید آیا رضایت اشخاص بر افشاسازی اسرار آنها مطلق و کلی است یا مقید است و در صورت تقیید، تاچه حد این قید لازم‌الاتباع می‌باشد. به نظر می‌رسد که رضایت به افشای اطلاعات باتوجه به اصل کلی و عمومی آگاهانه بودن آن که هم عرفاً در تمام امور و هم به‌طور اخص در پزشکی پذیرفته شده است، باید مقید به همان محدوده مورد توافق بیمار، در نظر گرفته شده و از حمل آن بر عموم خودداری نمود.

مجموعه مقررات پزشکی ایتالیا در موارد جواز افشای اسرار افراد می‌گوید: "درخواست یا اجازه بیمار یا نماینده قانونی او و تعیین شرایط و مقتضیات و حدود افشای اطلاعات یا خودداری از افشای اطلاعات (۴)...."

با وحدت ملاک از اصول مسلم حقوقی جواز تصرف در حق یا مال دیگری فقط محدود است به اذن او یا حکم قانون و حدود تعیین شده از طرف او و مثال بارز این امر را می‌توان از روح ماده ۶۴۱ قانون مدنی ایران دریافت. عرفاً هم باید پذیرفت که هر اذن محدود است به آنچه در حدود آن، داده شده و چنانچه اذن بر امری مطلق باشد حالت میانه‌ای که عقل سلیم حکم می‌کند و اصطلاحاً آن را متعارف می‌نامند مد نظر قرار می‌گیرد که این امر نیز در قسمت اخیر ماده ۶۴۱ ذکر شده است.

پس ملاحظه می‌شود در صورتی که جواز افشای اسرار افراد مبتنی بر اذن آنان باشد تنها در حدود معین شده در ضمن اذن و در صورتی که حدی معین نشده باشد، بر مبنای متعارف می‌توان افشاسازی نمود و مسلماً این متعارف در مورد مسأله ای مثل اسرار افراد، محمول خواهد بود بر قدر متیقنی که در امری چنین خطیر باید "حداقل" تلقی گردد.

ب و پ) بحث لزوم حفظ جان و بحث لزوم اطاعت امر دادگاه

این دو بحث را باتوجه به ارتباط تنگاتنگی که بین آنها به‌نظر می‌رسد، باهم ذکر می‌کنم:

اصولاً لزوم حفظ جان امری بدیهی و عقلانی می‌باشد و بند ۲ ماده ۹ قانون پزشکی ایتالیا و ماده ۶۴۸ و ۵۵ قانون مجازات ایران بر همین امور اشعار دارد. ماده ۵۵ قانون مجازات ایران می‌گوید: "هرکس هنگام بروز خطر شدید به منظور حفظ جان خود یا دیگری مرتکب جرمی شود به شرط آن که خطر را

عمداً ایجاد نکرده و عمل ارتكابی نیز با خطر موجود تناسب داشته یا برای رفع آن ضرورت داشته باشد، مجازات نخواهد شد". اما در این ماده توجه به سه نکته ضروری می‌نماید:

(۱) پای جان انسان‌ها در بین باشد.

(۲) خود مرتکب جرم، عمداً موقعیت خطرناک را ایجاد نکرده باشد.

(۳) عمل ارتكابی (مجرمانه) با موقعیت خطرناک متناسب باشد.

لذا به‌نظر می‌رسد افشای اسرار افراد با لحاظ سه شرط فوق‌الذکر عاری از وصف مجرمانه تلقی گردد ولی باید در تفسیر اصل لزوم حفظ جان بسیار ظریف و دقیق عمل و از بسط بی‌رویه موارد آن خودداری نمود و آن را محدود به مواردی ساخت که در صورت عدم افشای سر، فردی بمیرد.

حال باید به این بحث وارد شویم که موارد اجبار قانونی یا دستور دادگاه در افشای اسرار پزشکی که در قوانین اکثر کشورها از جمله انگلستان (۱) ذکر شده کدامند و به عبارت دیگر دادگاه تا کجا می‌تواند در اسرار افراد وارد شده و گروه‌های پزشکی را ملزم به افشاسازی نماید (۶).

به نظر من اجبار دادگاه نیز باید درحد همان سه مورد سابق‌الذکر باشد، علی‌الخصوص در بحث حفظ جان افراد والا به نظر نمی‌رسد چندان وجاهت داشته باشد.

در حال حاضر قانون‌گذار ایرانی در چند مورد ذیل افشای آنچه پزشکان بواسطه حرفه خود به‌دست آورده‌اند را تکلیف آنان قلمداد نموده است:

- ماده ۱۳ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی

- ماده ۱۹ همان قانون

- بیماری‌های طاعون، تب زرد، تیفوئید، تیفوس، آبله، مخملک، سرخچه، دیفتری، اسهال خونی، مننژیت، مالاریا، فلج کودکان، تب مالت، کنژنکتیویت نوزاد جذام، بادسرخ، پاروتیدیت، سل، گریپ، پنومونی، تراخم، سیاه زخم، تب راجعه، آبله مرغان، هیپاتیت‌های ویروسی، مسمومیت‌های غذایی به شرط آنکه در محل‌های پر جمعیت ظاهر شود.

ماده واحده قانون راجع به ثبت و گزارش اجباری بیماری‌های سرطانی.

ماده ۱۹ قانون ثبت احوال راجع به اعلام واقعه تولد.

ماده ۲۴ همان قانون راجع به اعلام واقعه فوت.

حال به بحثی می‌پردازم که حالتی خاص بنظر آمده و علی‌الخصوص در اطلاعات ژنتیک بیشتر احتمال وقوع دارد و آن را "افشای

دکتر علیرضا میلانی فر و دکتر محمدمهدی آخوندی: لزوم محرمانه نگهداشتن اطلاعات ژنتیکی افراد بشر

مثبت بدسیم، هر چند نگارنده با اعطای جواز به نقض رازداری مطلق حرفه‌ای مخالف است.

- آیا کارفرما می‌تواند مثلاً صاحبان ژن خاصی را استخدام یا دارندگان ژن خاصی را از کار محروم یا برکنار کند؟

- آیا شرکت بیمه می‌تواند فرد را بعثت آنکه حامل ژنی خاص است از خدمات خود محروم ساخته یا حق بیمه بالاتری درخواست کند؟

- آیا مراجع قضایی و پلیس می‌توانند مراکز درمانی و پژوهشی را ملزم نمایند تا مشخصات ژنتیک افراد را در یک سیستم و بانک اطلاعاتی مرکزی جهت سهولت دستیابی به آنها وارد نمایند؟

در خیلی موارد دیگر از همین دست می‌بینیم در صورتیکه دست حکومت‌ها و اشخاص بازگذاشته شود ممکن است چیزی به‌عنوان حریم خلوت و خصوصی افراد باقی نماند.

با توجه به همین امور است که قانون پزشکی ایتالیا در مبحث مربوط به آزمایش‌های ژنتیک می‌گوید:

- هر عملیاتی بر روی ژن‌های انسانی فقط برای پیشگیری یا اصلاح شرایط آسیب‌شناختی و بیماری باید باشد (۴).

- آزمایش‌های ژنتیک مجاز نیستند مگر برای مقاصد شناسایی یا پیش‌بینی ناهنجاریها و نقص جنین و بیماری‌های ارثی و فقط در صورتی که توسط مادرجنین یا فرد مبتلا به بیماری‌های مورد بحث درخواست شود (۴).

- هیچ‌گاه پزشکان نباید آزمایش‌های پیش‌بینی کننده ژنتیک را برای مقاصد بیمه‌ای یا استخدامی انجام دهند (۴).

با توجه به مجموع آنچه که پیشتر آمد و به‌عنوان حسن ختام شایسته‌است مواردی از اعلامیه‌های جهانی را نیز که در دهه آخر قرن بیستم و آغاز قرن بیست‌ویک، جهت حفظ حقوق اساسی افراد بشر، علی‌الخصوص در بحث حریم خصوصی و لزوم رازداری دارندگان اطلاعات، تدوین گردیده و در واقع در امتداد مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار دارند، ذکر نمایم:

مثلاً در اعلامیه جهانی ژنوم انسانی مصوب نوامبر ۱۹۹۷ آمده است:

"هیچ فردی نباید براساس ویژگیهای ژنتیک که هدف یا نتیجه‌اش نقض حقوق بشر، آزادیهای اساسی و حیثیت انسانی باشد، در معرض تبعیض قرار گیرد (۷)" و "به منظور حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تنها قانون

اطلاعات خارج از حدود اذن اولیه و مؤخر برآن " نامیده ودر قالب مثالی بیان می‌کنم:

فرض کنید که فردی برای انجام امری درمانی یا پژوهشی به شما مراجعه کرده و بنابر رضایت کتبی اجازه می‌دهد که از وی نمونه‌ای برای بررسی‌های ژنتیک در مورد بیماری دیابت اخذ کنید. وی انتشار نتایج را نیز بدون ذکر نام مجاز می‌داند و شما نیز مشخصات نامبرده را حفظ می‌نمایید (ولی به جایی یا کسی ارائه نمی‌دهید). حال چنانچه ده سال بعد به علت وقوع جنایت یا بزه دیگری فردی که مشخصات ژنتیک وی به‌دست آمده تحت تعقیب قرار گیرد و دادگاه شما را مکلف کند که مشخصات ژنتیک مذکور را با مشخصات افرادی که سابقاً به شما مراجعه کرده‌اند و سابقه آنها را حفظ کرده‌اید مقایسه نموده و در صورت تطابق مشخصات، صاحب نمونه را به دادگاه معرفی کنید آیا چنین کاری می‌کنید و آیا دادگاه مجاز به چنین درخواستی می‌باشد؟

به نظر می‌رسد که با توجه به این که بیمار یا آزمودنی هدف از استفاده از نمونه را معین و آن منحصر به بیماری دیابت نموده است، نمونه نباید با هیچ قصد و هدف دیگری استفاده شود و این امری کاملاً اخلاقی است که مطابق آنچه بیشتر عرض شد موافق اصول مسلم حقوقی نیز می‌باشد، ضمن آنکه چنانچه بیماران یا متقاضیان خدمات پزشکی بفهمند که اسرار آنها ممکن است با دستور دادگاه در هر زمان و با هر دلیل فاش گردد احتمالاً از ارائه واقعیات و اسرار خود به گروه پزشکی خودداری خواهند کرد که این امر منجر به اختلال در مسیر تشخیص و درمان نیز می‌گردد که نافی بدیهی‌ترین حقوق متقاضیان خدمات پزشکی و بیماران می‌باشد.

به همین قیاس باید گفت هنگامی که فرد مربوطه نمونه و مشخصات خود را در اختیار شما به‌عنوان یکی از اعضای گروه پزشکی قرار داده، مقصود و منظور وی انجام کاری خاص (اعم از تحقیقی یا درمانی) بوده است و خروج شما از دایره اذن و ارائه، مشخصات وی نافی حریم شخصی او خواهد بود، فلذا نمی‌توان انجام امر مذکور را بشرح پیش گفته پذیرفت.

در مجموع با توجه به آنکه در جریان آزمایش‌های ژنتیک با هر مقصود، ریزترین و مهم‌ترین خصوصیات شخصی افراد آن هم با دقت بالا مشخص می‌گردد، باید مواردی را که افشاسازی اسرار و یافته‌ها و خصوصیات جسمی و روانی افراد جایز می‌سازد هرچه بیشتر محدود کرد هرچند بجز در بحث حفظ جان ثالث چه در غیراین صورت ناچار خواهیم بود به پرسشهای ذیل پاسخ

آزادی‌های افراد، مطابق با حقوق داخلی آن هم هماهنگ با اصول بین‌المللی حقوق بشر پذیرفته است، هیچ محدودیتی نباید بر اصول مندرج در این بیانیه وارد شود (۹). دستور فوق با ماده ۱۳ پیش‌نویس مذکور به شرح ذیل تکمیل شده است:

"هر تصمیم یا عملی باید با احترام به حریم خصوصی افراد و حفظ محرمانگی اطلاعات شخصی آنان اعمال گردد، مگر آنکه ارتباط اطلاعات مذکور با شخص مربوطه به صورت برگشت‌ناپذیری قطع شده باشد. این اطلاعات نمی‌تواند برای اهدافی بجز آنچه که قبلاً بدان منظور جمع‌آوری شده استفاده گردد، مگر آنکه با رضایت آگاهانه، آزادانه و قبلی فرد مذکور (۹)".

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت به نظر می‌رسد، با توجه به پیشرفت‌های روزافزون جهانی و ملی در ژنتیک و زیست‌فناوری و افزایش امکان دسترسی به داده‌های ژنتیک اشخاص و تهدید آزادی و تحدید حریم خصوصی آنان باید با توجه به اصول مسلم حقوقی ایران و عنایت به مفاد اسناد بین‌المللی مربوطه، مقرراتی وضع گردد تا به نحو اکمل حریم خصوصی، حفاظت از اطلاعات شخصی افراد (علی‌الخصوص داده‌های ژنتیک آنان) و تعهد به رازداری حرفه‌ای مطلق توسط اعضای گروه‌های پزشکی و سایر رشته‌های مربوطه را - ضمن برقراری حداقل موارد استثناء منحصر به دو بحث "تمایل شخصی و حفظ جان" - تضمین نماید، تا پیشرفت‌های مذکور سبب ایجاد بی‌اعتمادی عمومی و نگرانی از برملا شدن اسرار افراد جامعه که اصولاً با نظم عمومی و زندگی در جامعه‌ای سالم منافات دارد، نگردد.

می‌تواند در محدوده حقوق بین‌الملل عمومی و قوانین بین‌المللی حقوق بشر، اصول رضایت و محرمانه بودن را محدود کند (۷)".

بر همین مبنا در ماده آخر بیانیه مذکور آمده است:

"هیچ قسمت از این اعلامیه نباید به گونه‌ای تفسیر گردد که دولت، گروه یا فردی با توسل به آن بتواند مجاز به انجام فعالیت یا اقدامی مغایر با حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و از آن جمله مغایر با اصول مندرج در این اعلامیه باشد (۷)."

علیرغم موارد فوق‌الذکر که به بهترین نحو متضمن حقوق اساسی افراد از جمله حریم خصوصی آنان می‌باشد، در بیانیه جهانی حفاظت از داده‌های ژنتیک این بحث به شرح ذیل بر عهده افراد و دولت‌ها گذاشته شده است:

"مقررات این اعلامیه در زمینه جمع‌آوری، پردازش، استفاده و ذخیره‌سازی داده‌های ژنتیک انسانی و نمونه‌های بیولوژیک، موضوعیت دارد، مگر در موارد تحقیق و کشف جرایم و نیز در بررسی نسب که باید مطابق با قوانین داخلی و هماهنگ با مقررات بین‌المللی حقوق بشر رفتار شود (۸)."

همان‌طور که ملاحظه می‌شود مفاد برشمرده اخیر پاره‌ای بررسی‌ها را به قوانین داخلی کشورها احاله داده است و هرچند این امر با عبارت "منطبق با اصول بین‌المللی حقوق بشر" تا حدی مقید شده است، ولی هم‌چنان باید از آزادی عمل اشخاص و دولت‌ها در سوءاستفاده از داده‌های ژنتیک انسانی تحت عناوین مربوط به حقوق کیفری با تفسیرهای گسترده نگران بود. خوشبختانه در چهارمین ویرایش پیش‌نویس اعلامیه جهانی هنجارهای اخلاق زیستی نیز به بحث رازداری توجه شده و آمده است:

"به‌جز در مواردی که در یک جامعه دموکراتیک و خواهان امنیت اجتماعی، به منظور پیشگیری از جرائم، حفظ سلامت عمومی و حفظ حقوق و

منابع

1. Freeman M, Lewis E. Law and Medicine. OXFORD University Press. 2000. p447.
2. Hippocrates medical oath

3. Iranian Medical Council oath نظام سوگند نامه پزشکی سازمان نظام پزشکی ایران

دکتر علیرضا میلانی فر و دکتر محمدمهدی آخوندی: لزوم محرمانه نگهداشتن اطلاعات ژنتیکی افراد بشر

4. MEDICI CHIRURCHI E DEGLI ODONTOIATRI.
FEDERAZIONE NAZIONALE DEGLI ORDINI DEI

۵. قانون مدنی ایران

۶ ماده ۶۴۸ قانون مجازات ایران: "... و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا

حرفه خود محرم اسرار می شوند، هرگاه در غیر موارد قانونی اسرار مردم را

افشا کنند."

7. International Declaration on the Human Genome and Human
Rights.1997.Art.6

8. International Declaration on Human Genetic Data
2003.Art.1-C

9. Elaboration of the Declaration on Universal Norms on
Bioethics: Fourth Outline of a Text.Art.5

